



پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت بیست و نهمین سالگرد درگذشت پادشاه فقید ایران، محمد رضا پهلوی قاهره، ۲۷ ژوئیه، ۱۳۸۸-۲۰۰۹

پادشاه من، پادشاه ما:

بیست و نه بهار از آنروزیکه با یاد ایران چشم از جهان بستى، مى گذرد، اما هنوز و همچنان، بسیارانند که در حافظه ی وفادار خود، با شما زندگی می کنند.

با شما که در آن ساعت آخر، پای پلکان هواپیما، با اشکی گران، ایرانزمین را به خداوند گارش سپردید و گفتید که این درخت تناور، دوباره سبز خواهد شد.

اینک، در این روزهای سرنوشت ساز، صدای آن بسیاران را، مى شنوم که اگر چه زخم دیده، اما سرا پا امید، به شما مى گویند:

-ای کاش بودی و مى دیدی که تمدن و فرهنگ ایرانی، همچنان زنده است.

-ای کاش بودی و مى دیدی که زن و مرد جوان و کهنسال، بی هیچ وحشتی، فریاد آزادی خواهی سر مى دهند.

-ای کاش بودی و مى دیدی که چگونه پس از تحمل سی سال کشتار، زندان و شکنجه و جنگ و بی عدالتی، تحمل سی سال دروغ بزرگی به نام حکومت ولایت فقیه، ایرانی که تا نفس آخر دوستش داشتی، به پا خاسته است.

-ای کاش بودی و مى دیدی که از کودکان تا کهنسالان هشتاد، نود ساله ی ایران ویران شده ات، همه و همه، در برابر این کشتارگاه شرم آور، ایستاده اند تا بر خاکسترش، ایرانی آزاد و آباد بسازند.

رویایی داشتی و مى خواستی ایرانی آباد پیشرو سربلند در آشتی با خود و همه ملل دنیا به واقعیت برسد.

از تمدن مى گفتی، به هنگامی که دیگران نماز وحشت مى خواندند.

بزرگمرد من و ما:

تصاویر پیش رویم، چنان درد آور و چنان با شکوه اند که زبان و کلمه ها برای بیان آن کوتاه اند.

می خواهم بدانید که ایران مان سرزمینی افتخار آفرین است. از دست رفته نیست، که فردایی سزاوار تاریخ و فرهنگ و تمدن خود خواهد داشت.

جای راستی و درستی خواهد بود و سر پناهی امن، که آزادی و عدالت را با همه قسمت خواهد کرد.

حق داشتن نان، کار، مسکن، آموزش و مراقبت از تندرستی همگان، حق زیستن مسالمت آمیز با همه انسانها حق مسلم هر ایرانی است و کار فردای بچه های ایران.

در فردایی که می آید، نداها و سهراب ها، پرپر نخواهند شد، و فرصتی برای بهتر زیستن خواهند داشت.

فرصت آزادی.

به امید آن روز،

یادتان گرامیست،

خداوند گار نگهدار ایران باد.